

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان خواجوی کرمانی

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر فرنگیس پرویزی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محسن خلیجی اسکوبی
سرکار خانم دکتر مینو فطوره‌چی

دانشجو

سمیه رشیدی

بهمن ماه ۱۳۸۷

چکیده

بررسی و تحلیل بازتاب عناصر اجتماعی در هریک از آثار متعلق به ادبیات کلاسیک که امروزه جز از طریق آثار تاریخی امکان دسترسی به آنها وجود ندارد، در گستره علم «جامعه‌شناسی ادبیات» قرار می‌گیرد. علمی که از قرن بیستم شکل گرفته و با نظریه‌ها و تئوری‌های مطرح شده در این راه توسط منتقدان اجتماعی، تا امروز به راه خود ادامه داده است.

در این پایان نامه تلاش شده است با بررسی پیوند میان اجتماع و ادبیات و نیز بیان تعاریف مطرح شده در جامعه‌شناسی ادبیات و سپس، بررسی سیر تکاملی نظریه‌های مطرح شده، زمینه ذهنی مناسبی جهت ورود به بحث بررسی «بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان خواجه کرمانی» ایجاد شود.

در بخش بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان خواجه کرمانی، عناصر اجتماعی شناسایی شده از بطن دیوان، ذیل ۶ نظام کلی با عناوین نظام حکومتی-سیاسی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام مذهبی و نظام علمی-آموزشی دسته بندی و هریک به انواعی دیگر، تقسیم شدند و از این رهگذر، تلاش شده است تا از طریق شناسایی عناصر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... بخشی از اجتماع قرن هفتم و هشتم که روزگار حیات خواجه کرمانی بوده است، بررسی شود.

در این بررسی بسیاری از آداب و رسوم و سنن، امثال، ظروف و وسایل معیشت، ادوات حرب و ... که امروزه منسوخ شده‌اند، شناسایی و معرفی شدند.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، اجتماع، عناصر اجتماعی، خواجه کرمانی، قرن هفتم و

هشتم.

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۴	فصل اول: «جامعه‌شناسی ادبیات»
۱۵	مقدمه
۱۸	تأثیر اجتماع بر آثار ادبی
۳۳	جامعه‌شناسی ادبیات
۴۴	فصل دوم: «زندگی و روزگار حیات خواجه‌ی کرمانی»
۴۵	اوضاع اجتماعی و سیاسی قرن هفتم و هشتم
۴۷	زبان و ادبیات فارسی در قرن هفتم و هشتم
۵۱	شعر انتقادی و اجتماعی در قرن هفتم و هشتم
۵۳	زندگانی خواجه‌ی کرمانی
۵۶	آثار خواجه‌ی کرمانی
۵۸	فصل سوم: «بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان خواجه‌ی کرمانی»
۵۹	نظام حکومتی - سیاسی
۶۰	شاه
۶۱	لوازم شاهی
۶۳	خواجه‌ی کشور
۶۴	مشاغل درگاهی
۶۹	دیوان‌ها
۷۰	دیوان احتساب
۷۰	مشاغل دیوان احتساب
۷۴	دیوان استیفا
۷۶	اصطلاحات رایج در دیوان استیفا
۷۸	دیوان اشراف
۷۹	دیوان برید
۸۰	دیوان رسالت

۸۰	مشاغل و اصطلاحات دیوان رسالت
۸۴	آداب نامه نویسی
۸۵	دیوان عرض
۸۵	مشاغل و اصطلاحات دیوان عرض
۸۷	آداب جنگ
۹۰	قسمت‌های مختلف لشکر
۹۱	ترفندهای جنگی
۹۲	ابزار جنگی
۹۸	لباس‌ها و پوشش‌های جنگی
۱۰۰	مناصب لشکری
۱۰۳	دیوان قضا
۱۰۵	اصطلاحات رایج در دربار و دیوان‌ها
۱۱۰	نظام اجتماعی
۱۱۱	اقشار جامعه
۱۱۴	تمدن‌ها و نژادها
۱۱۷	رفتارهای اجتماعی
۱۱۸	رفتارها
۱۱۹	رفتارهای ناهنجار
۱۲۱	رفتارهای نمادین
۱۲۲	عناصر اجتماعی
۱۲۲	پوشاک
۱۲۵	انواع پارچه
۱۲۷	سرپوش‌ها
۱۳۰	پای‌افزارها
۱۳۱	روی‌پوش‌ها
۱۳۲	تن‌پوش‌ها
۱۳۹	میان‌بندها
۱۴۳	خوراک
۱۴۴	غذاها
۱۴۷	نوشیدنی‌ها
۱۴۸	میوه‌ها
۱۵۰	ادویه‌جات و افزودنی‌ها
۱۵۲	انواع شراب و اصطلاحات آن
۱۵۶	ظروف شرابخواری
۱۶۰	مشاغل

۱۶۱	زمان باده نوشی
۱۶۲	اماکن مرتبط
۱۶۴	ظروف
۱۶۷	اسباب و وسایل معیشت
۱۷۵	وسایل روشنایی
۱۷۷	وسایل راحت و استراحت
۱۸۰	کانی‌ها
۱۸۰	سنگ‌های قیمتی و جواهرات
۱۸۷	فلزات
۱۸۹	مشاغل مرتبط
۱۹۰	ظروف نگهداری جواهرات
۱۹۱	طب و طبابت
۱۹۳	داروها
۱۹۸	بیماری‌ها، معایب و اصطلاحات
۲۰۲	مشاغل مرتبط با طب
۲۰۳	عطریات و اصطلاحات آن
۲۰۸	لوازم پیرایش و آرایش
۲۱۱	زیورآلات
۲۱۳	معماری و شهرسازی
۲۲۱	اماکن
۲۲۵	سفر و آداب و اصطلاحات آن
۲۲۷	مشاغل
۲۲۸	وسایل حمل و نقل
۲۳۰	واحد‌های اندازه‌گیری
۲۳۱	بلایای طبیعی
۲۳۲	حیوانات و اصطلاحات مربوط به آن
۲۴۸	پرنده‌گان
۲۵۳	اصطلاحات مربوط به حیوانات
۲۵۶	مشاغل مرتبط با حیوانات
۲۵۷	غذاهای حیوانات
۲۵۸	گلها و گیاهان
۲۶۳	درخت‌ها
۲۶۷	نظام فرهنگی
۲۶۸	ایام، اعیاد و جشن‌ها

۲۷۰	بازی‌ها و سرگرمی‌ها
۲۷۷	موسیقی
۲۷۷	آلات موسیقی
۲۸۱	اصطلاحات موسیقی و دستگاه‌ها
۲۸۶	مشاغل
۲۸۸	آداب و رسوم
۲۹۴	اعتقادات و باورها
۳۰۶	امثال
۳۱۱	موجودات خیالی
۳۱۴	نظام اقتصادی
۳۱۵	داد و ستد و اصطلاحات آن
۳۱۵	سکه‌ها
۳۱۸	اصطلاحات رایج در داد و ستد
۳۲۱	اماکن داد و ستد
۳۲۲	مشاغل
۳۲۳	پیشه‌ها
۳۳۴	نظام مذهبی
۳۳۵	ادیان و فرقه‌های رایج
۳۳۵	مناصب و مقام‌های دینی
۳۳۹	عبادتگاه‌های دینی
۳۴۱	نمادها و نشانه‌های ادیان
۳۴۳	آداب و شرعیات و اصطلاحات آن
۳۴۷	نظام علمی - آموزشی
۳۴۸	اصطلاحات رایج در نظام آموزشی
۳۵۰	ابزار و ادوات نگاشتن
۳۵۴	علوم
۳۵۴	نجوم
۳۶۲	اصطلاحات نجومی
۳۶۶	سایر علوم
۳۶۷	نتیجه‌گیری
۳۹۷	منابع و مآخذ

ادبیات هنوز یک شغل
نیست و بیشتر یک تفنن
است. ولی تفننی خیلی
جدی‌تر از یک شغل. یعنی
یک مشغله است و مشغله‌ای
بسیار پردردسر و شاید
هم بد عاقبت...
جلال آل احمد

مقدمه

امروزه با پیشرفت مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات، ارتباط میان ادبیات و اجتماع بیش از پیش ثابت شده است و جامعه‌شناسان ادبیات، با مطالعه و بررسی آثار ادبی هر دوره و کنکاش در شکل و محتوای آثار ادبی دوره مورد توجه، به بخشی از فضای سیاسی و اجتماعی آن دوره دست می‌یابند و این آثار ادبی، سندی باارزش برای درک اوضاع زمانه مؤلف آثار خواهد بود، زیرا از آنجا که ادبیات و جامعه در کنش و واکنش و تأثیر و تأثری متقابل با یکدیگر قرار دارند، اوضاع و احوال اجتماعی بی‌شک در آن بازتاب می‌یابد و این تصاویر ثبت شده در آثار ادبی، مفاهیم و آگاهی‌هایی از اوضاع جامعه آن روزگار به ما خواهد داد که شاید در هیچ اثر تاریخی نتوان به آن دست یافت.

بنا به اهمیت بررسی عناصر اجتماعی در آثار ادبی است که امروزه جامعه‌شناس ادبیات، با درک درست پیوند عمیق میان جامعه‌شناسی و ادبیات، با بررسی آثار ادبی به جای مانده از هر دوره‌ای، به بررسی تک تک عناصر آن پرداخته و با جمع‌آوری آمار و بسامد و سپس تدقیق و تحقیق در مؤلفه‌های به دست آمده، به شناسایی اجتماعی که صاحب اثر در آن زیسته است، پرداخته و با این بررسی و کنکاش، به نکات و دقایقی بی‌نظیر و مفید دست می‌یابد که به دور از دستبردهای مورخین و یا غرض‌ورزان است.

این بررسی‌ها که تحت عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» مطرح می‌شوند، ابعاد و جوانب گوناگونی دارد که بنا به قصد جامعه‌شناس و با توجه به زاویه دید وی، ابعاد آن متفاوت خواهد بود.

در این پژوهش با بخشی از جامعه‌شناسی ادبیات سروکار داریم که به «اجتماعیات در آثار ادبی» موسوم است و با کمک این رویکرد، به بررسی عناصر اجتماعی در دیوان خواجه‌ی کرمانی پرداخته‌ایم تا با این روش بتوان بخشی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی روزگار زندگی خواجه‌ی کرمانی که در قرن هفتم و هشتم بوده است را شناسایی کرده و برخی از عناصر آن را معرفی کنیم.

بر همین اساس، تلاش شده است تا حوزه اصلی این کار که جامعه‌شناسی ادبیات است، تا حدی معرفی شود. برای رسیدن به این مقصود، در فصل اول پایان‌نامه تحت عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات»، به بررسی میزان تأثیر اجتماع بر آثار ادبی و سپس، تعریف جامعه‌شناسی ادبیات و بعد، بررسی سیر تاریخی نظریات مطرح در جامعه‌شناسی ادبیات پرداخته شده است. این کار علاوه بر آنکه ذهنیت و دید هر پژوهشگری را نسبت به ادبیات متفاوت و عمیق‌تر می‌نماید، به پژوهندگان کمک می‌کند تا آشنایی اندکی با مقوله جامعه‌شناسی ادبیات بیابند تا نگاهی همه‌جانبه و چندسویه به ادبیات داشته باشند و ادبیات را امری عادی و ساده و البته جدا از زندگی روزمره ندانند.

از آنجا که هدف اصلی در این پژوهش بررسی عناصر اجتماعی بر پایه دیوان خواجه‌ی کرمانی است، قسمت‌های مربوط به جامعه‌شناسی بیشتر به بیان و طرح نظریه‌ها اختصاص یافته است تا مجال بیشتری برای بررسی بازتاب اجتماع در دیوان خواجه‌ی کرمانی وجود داشته باشد.

در فصل دوم، با عنوان «زندگی و روزگار حیات خواجه‌ی کرمانی» با استفاده از منابع تاریخی و تاریخ ادبیات، تلاش شد فضای کلی روزگار حیات خواجه‌ی کرمانی شامل مسائل حکومتی - سیاسی، وضعیت اجتماعی، وضعیت زبان و ادبیات فارسی، شعر انتقادی و اجتماعی و رواج تصوف و عرفان،

شناسانده شوند تا خواننده با فضای تاریخی و اجتماعی دوره مورد بررسی نیز آشنایی یابد و با ذهنی نظام‌مند، بخش اصلی کار یعنی فصل سوم را مطالعه نماید.

فصل سوم که در واقع بخش اصلی پایان‌نامه نیز هست، عنوان پایان‌نامه را بر خود دارد: «بازتاب عناصر اجتماعی در دیوان خواجه‌ی کرمانی». در این بخش، پس از بررسی عناصر اجتماعی موجود در دیوان خواجه‌ی کرمانی، با بهره‌گیری از فرهنگ‌های متعدد و تخصصی در هریک از زمینه‌ها و مراجعه به منابع مرتبط و مشابه، توضیحاتی هرچند مختصر برای برخی اصطلاحات و واژگان دشوار و منسوخ شده و کاربرد آنها در همان روزگار و یا پیش از آن، افزوده شد. روش کار در بخش سوم به شرح زیر بوده است:

۱- مطالعه دیوان اشعار خواجه‌ی کرمانی

۲- گزینش ابیات حاوی عناصر اجتماعی.

۳- مطالعه تاریخ اجتماعی و ادبی روزگار زندگی خواجه‌ی کرمانی

۴- تطبیق موارد یافت شده از دیوان با مسائل تاریخی عصر وی

۵- تنظیم موضوعی موارد و شواهد شعری

۶- استفاده از فرهنگ‌های تخصصی در هریک از موضوع‌های مورد بحث

۷- ارائه تحلیل و نظر شخصی در موارد ضروری

۸- گردآوری مباحث و تنظیم نهایی و نتیجه‌گیری کلی.

و سپس تمام این عناصر ذیل ۶ نظام کلی، دسته‌بندی گردید که فهرست نظام‌ها از این قرار است:

۱- نظام حکومتی - سیاسی

۲- نظام اجتماعی

۳- نظام فرهنگی

۴- نظام اقتصادی

۵- نظام مذهبی

۶- نظام علمی- آموزشی

مطالب و موضوعات مستخرج از دیوان خواجوی کرمانی، برحسب موضوع و ارتباط با هریک از این نظام‌ها، ذیل این دسته‌بندی‌ها جای گرفتند. در هر بخش تلاش شده است عناصر در فهرستی الفبایی طبقه‌بندی شوند تا در صورت نیاز خوانندگان، دسترسی به آن آسان‌تر و سریع‌تر باشد. همچنین برای برخی بخش‌ها که شاید در نگاه اول ذکر آنها بی‌دلیل یا کم‌اهمیت به نظر برسد، مقدمه‌ای نوشته شده است تا اهداف نگارنده از ذکر آنها آشکار گردد.

با انجام کارهای اینگونه که به شناخت عناصر اجتماعی و فرهنگی هریک از دوره‌های گذشته بر مبنای آثار ادبی می‌پردازند، می‌توان بسیاری از مواردی را که امروزه از میان رفته‌اند ولی جزء فرهنگ و پیشینه فرهنگی هریک از ما محسوب می‌شود را بازشناخت و به غنا و عظمت فرهنگ ایرانی پی برد. با بررسی اشعار خواجوی کرمانی بسیاری از آداب و رسوم، گوشه‌های موسیقی، پوشاک و خوراک، نام گیاهان و حیوانات و کاربرد آنها و ... که به دست فراموشی سپرده شده‌اند، شناسایی شده‌اند.

اما آنچه نباید ناگفته بماند، پس از شکر خدای مهربان، سپاسگزاری و قدردانی از تمام بزرگوارانی است که هیچگاه یاری و کمکشان را از من دریغ نکردند و بودندشان، هر لحظه غنیمی بود برای رفتن و به نتیجه رسیدن.

استاد بزرگوارم سرکار خانم دکتر پرویزی که در سمت استاد راهنما تمام سعی و کوششان به ثمر رسیدن کار بود و با راهنمایی‌های به موقع خود، راه را از بیراه بازشناساندند. همچنین جناب آقای دکتر خلیجی و سرکار خانم دکتر فطوره‌چی، استادان مشاور، که از کمک‌هایشان بی‌نصیب نبودم و بیش از هرکس، جناب آقای

دکتر رادفر، که امروز در جایگاه استاد داور، به راهنمایی من همت گمارده‌اند؛ اما راهنمایی‌ها و نکته‌سنجی‌های همیشگی‌شان درس اخلاق و علم بود که بسیار از ایشان آموخته‌ام و همیشه مدیونشان خواهم بود.

و نیز خانواده‌ی مهربان و بزرگووارم، پدر و مادر عزیزم که محبت‌ها و دوستی‌هاشان آرام‌بخش روح و روان من بود و دو برادر مهربانم که همیشه چون ستون‌های استوار محبت و اطمینان کنار من بوده‌اند و از مهر و صمیمیت، سیرابم کرده‌اند.

همچنین استادان و فرهیختگانی که با بزرگواری خود در پیش‌برد هرچه بهتر این رساله یاری‌ام کردند؛ جناب آقای دکتر یوسف عالی عباس آباد که در تدوین بخش‌هایی از این رساله به شکل فرهنگ، راهنمایی‌های به‌جا و مفیدی فرمودند، جناب آقای دکتر قربان ولیی که در شناسایی منابع متعدد و مفید، راهنمایی‌هایشان راهگشا بود و مسؤلان محترم کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی که در تمام مراحل کار، با لطف خود در راه دست‌یابی به منابع، کمک شایان توجهی نمودند و نیز دوستان و بزرگواران‌ی که شاید نامشان امروز ذکر نشود، اما یادشان همیشه قوت قلب است و هدایتی بزرگ برای ذهن و اندیشه و قلب من.

سمیه رشیدی

بهمن‌ماه ۱۳۸۷

نشانه‌ها و علامت‌های اختصاری

رجوع شود به موردی در پایان‌نامه حاضر

ذیل واژه

فصل اول

«جامعه‌شناسی ادبیات»

مقدمه

شاید بتوان ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین ارتباط میان ادبیات و جامعه را در «زبان» جست‌وجو کرد. چرا که زبان به عنوان اولین عامل اشتراک انسان‌ها و ماده اصلی ادبیات، ذاتاً ماهیتی اجتماعی دارد و در جهت پیوند میان اعضای اجتماع پدید می‌آید و رشد می‌کند. این زبان، هنگامی که توسط شاعر یا نویسنده‌ای به کار گرفته می‌شود تا با آن، منظور خاصی بیان شود، به «ادبیات» تعبیر می‌شود.

از طرفی، جامعه‌شناسی «مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی است. بررسی و تبیین این پدیده‌ها بدون آشنایی و تسلط بر مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی به سادگی امکان‌پذیر نیست.» (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۰)

«جامعه‌شناسی یا تئوری علمی جامعه، شناخت حرکات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم بر این حرکات است. به دیگر سخن، سعی دانش مزبور بر این است که تصویر منظم و کاملی از تحول و تکامل جامعه به دست دهد و با شناختن و شناساندن جامعه و ویژگی‌های حیات اجتماعی و افزودن بر نگرش و دید علمی انسان‌ها، درباره جامعه و سیر تکاملی آن، بر شتاب حرکت اجتماعی بیفزاید.» (ترابی، ۱۳۷۶: ۴)

با تعاریف مختصری که از ادبیات و جامعه ذکر شد، می‌توان گفت جامعه‌شناسی ادبیات رویکردی میان رشته‌ای است که تلاش می‌کند با مفاهیم جامعه‌شناسی، آثار ادبی را بررسی نموده و از این طریق، اثر ادبی را

به مثابه سندی برای شناخت اجتماع قرار دهد. این کار به‌خصوص در مورد تحقیقات جامعه‌شناسانه در جهت شناختن ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... روزگاران گذشته و از دست رفته بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

«طی چند دهه اخیر، پژوهش‌های ادبی هرچه بیشتر به سمت پیوند با سایر علوم میل کرده‌اند و این روند مبین گرایشی قوی به میان رشته‌ای ساختن تحقیقات علوم انسانی است. در گذشته شهرت هر نظریه‌پردازی عمدتاً و گاه منحصراً به رشته یا حوزه معینی از علوم انسانی محدود می‌شد. لذا از منتقد ادبی توقع نمی‌رفت که دربارهٔ اوضاع اجتماعی یا مسائل فرهنگ تحقیق کند و نظر بدهد. ایضاً از جامعه‌شناس هم توقع نمی‌رفت که به پژوهش دربارهٔ آثار ادبی بپردازد.» (پاینده، ۱۳۷۸: ۱۴۱-۱۴۲) اما از حدود قرن بیستم، با ایجاد رشته «جامعه‌شناسی ادبیات» و با طرح نظریات و تئوری‌های مختلف و متفاوت در این زمینه تحقیقات مفید و گوناگونی در این زمینه انجام شده و ادامه دارد.

تأثیرپذیری مؤلف (اعم از نویسنده، شاعر، محقق و ...) از جامعه و محیط اجتماعی، امری است که همیشه ذهن نظریه‌پردازان و محققان جامعه‌شناسی را مورد توجه قرار داده و موجب شده است تا نظریات متعددی در حوزه «جامعه‌شناسی ادبیات» ارائه شود. چرا که مؤلف به عنوان عضوی از اجتماع که ناخودآگاه در ارتباطی مستقیم با جامعه قرار دارد، از محیط پیرامونی خود تأثیر پذیرفته و نمود این تأثیرات را می‌توان در اثر صادره از مؤلف مشاهده نمود. پس بیراه نیست اگر جامعه‌شناسان ادبیات، با روش‌ها و شیوه‌های مخصوص به خود، در رویکردی میان‌رشته‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» به بررسی پیوند میان ادبیات و اجتماع و میزان این تأثیر و تأثر می‌پردازند.

در این بخش تلاش شده است پیوند میان اجتماع و آثار ادبی مورد کنکاش و توجه قرار گیرد تا از این رهگذر، ضرورت وجود رشته‌ای به نام «جامعه‌شناسی ادبیات» آشکار گردد. سپس به بررسی سیر تاریخی پیدایی این رشته پرداخته شده و ضمن آن، نظریه‌های مختلف و مطرح این رشته نیز به اجمال معرفی شده‌اند. همچنین از آنجا که موضوع اصلی این پژوهش، نوعی بررسی اجتماعیات در اشعار خواجه‌ی کرمانی است، تنها به معرفی و یادکرد این نظریه‌ها بسنده شده است تا به موضوع اصلی پایان نامه، پرداخته شود.

تأثیر اجتماع بر آثار ادبی

شخصیت فردی، بازتولید

فرهنگ جامعه است.

کریستوفر لاش

جامعه و اجتماع به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرکز زندگی مشترک میان انسان‌ها، از زوایای گوناگون، همیشه مورد توجه جامعه‌شناسان قرار داشته است. یکی از جنبه‌های بررسی جامعه‌شناسان ادبیات، بررسی تأثیر اجتماع و محیط بر آثار ادبی بوده است. چرا که اجتماع به عنوان بزرگترین و پس از خانواده، مهم‌ترین محیط زندگی و حیات مشترک انسان‌ها، تأثیرات بسیاری بر انسان‌ها به عنوان زیرمجموعه‌های خود خواهد داشت و این تأثیر و تأثر، با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اقلیمی و ... با جوامع دیگر متفاوت خواهد بود و این تأثیرات در آثار ادبی صادره از مؤلف، قابل دقت و بررسی خواهد بود که یافتن این ارتباط، یکی از وظایف جامعه‌شناس ادبیات است.

«جامعه‌شناس ادبیات وظیفه دارد که بین تجربه‌های شخصیت‌های خیالی و فضای خاص تاریخی که منشأ آن تجربه‌ها است، پیوند زند و تأویل ادبی را به بخشی از جامعه‌شناسی شناخت بدل کند. جامعه‌شناس ادبیات باید بتواند براساس معادله خصوصی درونمایه‌ها و فنون سبکی، معادلات اجتماعی بنویسد.» (لوونتال، ۱۳۸۶: ۷۶)

اگر ادبیات (که برای مشخص شدن حوزه کار، آن را اثر ادبی می‌نامیم) را «تفسیر مؤلف از اجتماع» بدانیم (منظور از مؤلف، صاحب اثر ادبی است) و اثر صادره از مؤلف را تحت تأثیر اجتماع و محیط پیرامونی نویسنده آن اثر ادبی قلمداد کنیم، برای بررسی درست‌تر و همه‌جانبه‌تر وی، چاره‌ای جز بررسی وضعیت زندگی اجتماعی و «موقعیت» او نخواهیم داشت.

«موقعیت، مجموع اوضاع و احوال عینی است که موجود بشری در آنها قرار دارد. شخصیت هرکس در وهله نخست، تابع «موقعیت» اوست، یعنی تابع اموری «ممکن» که او را در این مکان یا در آن مکان جغرافیایی قرار داده است که او را در فلان لحظه از زمان فلکی و در فلان محیط اجتماعی به دنیا آورده است که او را در فلان وضع اقتصادی و شیوه حکومتی به کاری واداشته است که او را در معرض فلان فشار طبیعت یا جامعه گذاشته است. سخن کوتاه، او را در «تاریخ» قرار داده است. پس موقعیت هرکس متضمن گذشته او، نژاد و طبقه او، وضع زندگی او، طرح‌های اوست و خلاصه، مجموعه اموری که فردیت او را می‌سازد. در موقعیت بودن، یعنی با جهان و مردم جهان در حال فعل و انفعال، تأثیر و تأثر بودن... به لفظ دیگر، همان وجود (حصولی) داشتن است.» (سارتر، ۱۳۵۶: ۱۹، پاورقی)

چنانچه می‌بینیم، سارتر، اثر ادبی مؤلف را در ارتباطی مستقیم با موقعیت و اوضاع پیرامونی وی می‌داند و در جای دیگر، این تأثیر پذیری را هدفمند و دارای غایتی باز هم اجتماعی معرفی می‌کند: «...وظیفه نویسنده است که کاری کند تا هیچکس نتواند از جهان بی‌اطلاع بماند و هیچکس نتواند خود را از آن مبرا جلوه دهد.» (همان: ۴۴)

«بدیهی است اثرگذاری محیط و شرایط آن بر آثار ادبی - هنری برای همه یکسان نیست و می‌تواند جهاتی متفاوت داشته باشد. این تأثیر ممکن است به صورتهای گوناگون درآید: از سازگاری گرفته تا ردّ و شورش، یا ترکیبی از اندیشه‌های برگرفته از این محیط و محیطی دیگر و غیره» (وحید، ۱۳۸۷: ۴۶) «بررسی ای که اثر را منحصرأ یا در درجه اول به نویسنده آن مربوط می‌کند، هنگامی که می‌کوشد تا اثر را با توجه به جنبه‌های صرفاً فرهنگی آن (جنبه‌های ادبی، فلسفی و هنری) دریابد، در بهترین حالت وضعیت کنونی امکانات بررسی تجربی می‌تواند وحدت درونی اثر و پیوند میان

مجموعه و اجزایش را بازنماید، اما در هیچ حالتی نمی‌تواند به شیوه‌ای اثباتی پیوندی از همین نوع را

میان اثر و فرد آفریننده‌اش برقرار سازد.» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۳۱۷)

اینگونه است که اثر مؤلف، علاوه بر آنکه برای وی موقعیتی اجتماعی به همراه می‌آورد و وی را به عنوان صاحب‌نظر مطرح می‌کند، او را ملزم می‌سازد تا در مقابل آنچه نوشته و به عنوان اثر ادبی به جامعه عرضه کرده، خود را متعهد بداند و اگر از این حوزه فراتر یا فروتر رود، باید به سؤالاتی از این دست که سارتر مطرح می‌کند، پاسخی درخور و قابل پذیرش دهد: «اگر نویسنده‌ای نسبت به بیان جلوه‌های جهان طریق خاموشی گزیند یا برطبق اصطلاحی که در این مورد بسیار رساننده معناست، آن را به «سکوت برگزار کند»، حق داریم که از او این سوال ... را بکنیم: چرا این را گفته‌ای و نه آن را و - حال که سخن می‌گویی تا

تغییر بدهی - چرا می‌خواهی این را تغییر بدهی و نه آن را؟» (سارتر، ۱۳۵۶: ۴۴-۴۵)

اما سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که به این ترتیب، شاعران و نویسندگان درباری که هنر و استعداد خود را در راه مدیحه‌سرایی پادشاهان و درباریان و صاحبان قدرت صرف می‌کردند و آن را وسیله گذران زندگی و معیشت خود قرار می‌داده‌اند، چگونه به سؤالی‌هایی از آن دست که سارتر مطرح می‌کند، پاسخ می‌دهند؟ آیا آثار آنها را می‌توان جزء ادبیات متعهد در برابر اجتماع دانست؟ در اینجا باید توجه داشت که به دلیل عدم گسترش صنعت چاپ و محدودیتی که از این جهت برای مؤلفان وجود داشته است، آنها نمی‌توانسته‌اند به آسانی آثار خود را به مخاطبان عام عرضه کنند. همچنین توجه درباریان و صاحبان قدرت به شاعران و نویسندگان از آن جهت که معتقد بودند آثار شاعران و نویسندگان، چون تابلویی نفیس و ارزشمند می‌تواند شکوه و جلال و مکتب دربار آنان را به نمایش بگذارد، به همین جهت، زندگی مادی و معیشت آنها را تأمین می‌کردند. همین امر ناخودآگاه مؤلفان را به سمت و سوی دربار سوق می‌داده است.

به هر رو، زندگی درباری نیز بخشی از اجتماع بوده است و طبیعی است که مؤلفان نیز بنا به دلایل مختلف، جذب محیط‌های خاصی از اجتماع شوند. چرا که «ادبیات می‌تواند همچون ابزار تبلیغاتی کارآمدی، در اختیار طبقه، حزب یا گروه سیاسی خاصی درآید و در تأیید و نشر عقاید و ارزش‌های آنها و هموار ساختن راه دستیابی آنها به اهداف خود، کارکردهایی را به عهده گیرد. این کارکرد، به ویژه از هنگامی آغاز می‌شود که همراه با گسترش سواد به سطوح مختلف اجتماعی و افزایش امکانات طبع و نشر، در پی اختراع ماشین چاپ، ادبیات توانست اندک اندک در طبقات متوسط و پایین جامعه نیز مخاطبانی بیابد و بازار خود را به بیرون از دربارها بسط دهد. بدین گونه ادبیات متوجه موضوعات سیاسی-اجتماعی می‌شود و در قلمرو آن، آثاری سیاسی-اجتماعی پدید می‌آید و ادبیات متعهد مطرح می‌گردد.» (وحید، ۱۳۸۷: ۲۶)

اما باید دانست که صرف غیر متعهد بودن این آثار در مقابل اجتماع-با توجه به معنای عام «ادبیات متعهد»- دلیل بر آن نخواهد بود که این قبیل آثار را یکسره بی‌ارزش بدانیم و چون بخش بسیاری از آنها به مدیحه‌سرایی و تملق گذشته است، آنها را فاقد ارزش‌های ادبی و هنری بدانیم. «حمایت ادبی علاوه بر این حسن که ورود نویسنده را به چرخه‌ای اقتصادی امکان‌پذیر ساخت که پیشتر در آن جایی نداشت و بنابراین امکان بقا و تولید را برای او فراهم آورد، امتیاز دیگری هم داشت و آن این بود که بر کیفیت ادبیات نیز تأثیری غالباً مطلوب به جا گذاشت. (اسکارپیت، ۱۳۸۶: ۴۹)

اینگونه است که هم‌اکنون بخش قابل توجهی از ادبیات کلاسیک کشور ما، حاصل کار نویسندگان و شاعرانی است که به خدمت دربار مشغول بوده‌اند و شاید همین فراغت آنها از تأمین معاش، موجب شده است تا آثار آنها کیفیت مطلوب‌تر و در نتیجه ماندگاری بیشتری داشته باشند. برای نمونه می‌توان به قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم اشاره کرد که بنا به گفته ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات ایران (ج ۲، ص ۱۲۹) کمتر

دوره‌ای از ادوار ادبی فارسی است که این همه شاعر استاد و بزرگ، آن هم از یک ناحیه محدود، در آن زندگی کرده باشد و کمتر عهدی است که در آن فصاحت و جزالت کلام تا این حد مفطور و ملکه گویندگان باشد. کثرت و تعدد آثار گویندگان... یکی از خصائص عمده این دوران است. علت اساسی این توسعه و رواج روز افزون شعر، تشویق بی سابقه شاهان از شاعران و نویسندگان بود. همه امیران و شاهان مشرق در آن دوران نسبت به گویندگان پارسی سرای و نویسندگان و شاعران تازی گوی ایرانی رعایت کمال احترام را می کرده‌اند.

اما همانگونه که پیش از این گفتیم، اثر اجتماع و محیط اجتماعی - از هر نوع آن - را نمی‌توان در اثر ادبی نادیده گرفت، زیرا محیط و اجتماعی که مؤلف در آن حضور دارد، به‌طور ناخودآگاه بر در اثر وی نمود خواهد یافت. از این رو از خلال آثار ادبی همین نویسنده‌های درباری است که اینک ما با ساخت و پیکره زندگی شاهانه و درباری بسیاری از دوره‌هایی که آثاری از آنها به جا مانده است، آشنایی داریم و تصویری تقریباً واضح و شفاف از زندگی آن روزگاران پیش چشممان گشوده است و از طریق آن، به تحلیل و بررسی‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی، ادبی، جغرافیایی، دینی، فرهنگی و ... آن قرون و اعصار می‌پردازیم.

«نمی‌توان از این گنجینه‌های آکنده از اطلاعات واقعی که کم و بیش هم اعتبار دارند، به آسانی صرف نظر کرد. این گونه آثار را اغلب مردمی اهل ادب فراهم آورده‌اند و از این رو نظریه اجتماعی به طرز درهم و برهم در آنها مطرح شده است. این گنجینه‌ها ادبیات را به منبعی ثانویه برای تحلیل‌های تاریخی بدل می‌کند و هرچه منابع دست اول درباره دوره تاریخی خاصی کمیاب‌تر باشند، بر ارزش آنها افزوده می‌شود.» (لوونتال، ۱۳۸۶: ۷۵)